



Psychological analysis of the encounter between prophet Solomon and the Queen of Saba in verse 44 of surah An-Naml

Seyed Meysam Moosavi ^{a*}, Seyed Mahmoud Teyeb Hoseini ^b

^a PhD student of the Department of Quran and Hadith Sciences, Research Institute of Hawzah and University, Qom, Iran

^b Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Research Institute of Hawzah and University, Qom, Iran

KEYWORDS

SurahAl_Nemal,
Psychology,
Solomon,
FeelingInferior,
Queen of Saba

Received: 28 April 2023;
Accepted: 12 September 2023

Article type: Research Paper
DOI: 10.22034/ijj.2023.707715

ABSTRACT

In a part of Surah An_Naml, the Holy Qur'an deals with the story of Solomon and the Queen of Saba. In verse 44 of this surah, he mentioned the special design of the courtyard of Prophet Solomon's palace and that the Queen of Saba made a mistake when entering this courtyard and thought that she was stepping on water. The commentators' opinions about this action of Solomon are divided into three categories. Some have considered this type of palace design to continue the miracles of Solomon, and some have considered it as a tool to show his power, and a few have stated that the purpose of Solomon was to see the feet of the Queen of Saba. In this research, by analyzing this verse and the previous verses about this story, it is clear that the interpretations expressed from this verse are not defensible and in fact this action of Solomon was a psychological style to create the ground for acceptance of the truth and faith in God in the Queen of Saba.

* Corresponding author.
E-mail address: meymosa@gmail.com
©Author





تحلیل روانشناختی مواجهه حضرت سلیمان و ملکه سبا در آیه ۴۴ سوره نمل

سید میثم موسوی الف*، سید محمود طیب حسینی ب

الف دانشجوی دکتری، گروه قرآن و حدیث، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران، meymosa@gmail.com

ب استاد، گروه قرآن و حدیث، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران، tayebh@rihu.ac.ir

چکیده	واژگان کلیدی
<p>قرآن کریم در بخشی از سوره نمل به ماجرای حضرت سلیمان و ملکه سبا پرداخته است. در آیه ۴۴ این سوره به طراحی خاص صحن قصر حضرت سلیمان اشاره کرده است و اینکه ملکه سبا هنگام ورود به این صحن دچار اشتباه شد و تصور کرد که بر آب قدم میگذارد. دلیل این طراحی خاص توسط حضرت سلیمان سوال اصلی این تحقیق است که با روش توصیفی تحلیلی و با استناد به آیات قرآن به آن پاسخ داده شده است. نظرات مفسران در مورد این آیه در سه دسته قرار میگیرد؛ نخست گروهی که حادثه بیان شده در آیه ۴۴ این سوره درباره ورود ملکه سبا به صحن قصر را یک معجزه و به دنبال معجزات دیگر حضرت سلیمان برای ایمان آوردن ملکه سبا می دانند؛ دوم گروهی که این اقدام را قدرت نمایی و برای نشان دادن برتری حضرت سلیمان دانسته اند؛ و سوم گروهی که این حادثه را طراحی حضرت سلیمان برای دیدن مشخصات جسمانی ملکه سبا دانسته اند. این نظرات به صورت کامل نمی تواند آیه را توضیح دهند و با تبیین دیدگاه این تحقیق ضعف تبیین آنها روشن خواهد شد. اما دیدگاهی که با استفاده از تحلیلی روانشناختی در این تحقیق ارائه می شود، کاملاً با استناد به قرآن کریم ارائه شده است و نقاط ضعف سایر نظرات را ندارد. در این تحقیق با تحلیل این آیه و آیات قبلی در مورد این ماجرا مشخص می شود که تفاسیر بیان شده از این آیه قابل دفاع نیستند و در واقع این اقدام حضرت سلیمان در بردارنده سبکی روانشناختی برای ایجاد زمینه پذیرش حق و ایمان به خدا در ملکه سبا بوده است.</p>	<p>سوره نمل، روانشناسی، سلیمان، احساس حقارت، ملکه سبا</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۱ مقاله علمی پژوهشی</p>

۱. مقدمه

قرآن کریم به عنوان منبع اصلی علوم و معارف اسلامی، علاوه بر مسائل فقهی و کلامی می تواند در علوم انسانی از جمله روانشناسی هم منبع معارف و اشارات سودمندی باشد. هر چند تحقیقات مفیدی در مورد برداشتهای روانشناختی از قرآن کریم انجام شده است و بخشهایی از تفاسیر قرآن کریم به بررسی و تحلیل روانشناختی برخی آیات پرداخته اند؛ اما ماهیت وحیانی و عمق معنایی قرآن کریم، تلاش و تحقیق بیشتری را در این زمینه فرا می خواند. روشها و سطوح مختلفی برای مطالعات روانشناختی در قرآن کریم قابل اجراست که یکی از آنها بررسی یک یا چند آیه مرتبط با هم و استخراج یک نتیجه روانشناختی از آنهاست. (طیب حسینی، ۱۴۰۰) مجموعه آیات مواجهه حضرت سلیمان با ملکه سبا یکی از مواردیست که با وجود تلویحات روانشناختی، بویژه در زمینه تبلیغ و راهکارهای اثرگذاری بهینه، هیچ پژوهشی

برای بررسی آن از منظر تفسیر روانشناختی انجام نشده است. در پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی آیه ۴۴ سوره نمل پرداخته شده و با توجه به آیات مرتبط با آن تلاش شده است تا برداشتی روانشناختی از این آیات ارائه شود. این آیه به ماجرای طراحی خاص قصر حضرت سلیمان و صحن آبگینه آن و ورود ملکه سبا به آن اشاره می‌کند. ملکه سبا هنگام ورود به این صحن به اشتباه آنرا آب می‌پندارد و لباس خود را بالا می‌برد تا مانع از خیس شدن آن شود. نوع بیان قرآن در این آیه نشان می‌دهد که عامل اصلی در ایمان ملکه سبا همین صحنه بوده است، زیرا طبق این آیه ملکه سبا بلافاصله بعد از ورود به صحن قصر و مواجهه با طراحی خاص آن ایمان می‌آورد. ویژگی این صحنه و توضیح ارتباط آن با ایمان آوردن ملکه سبا، مسأله اصلی در این تحقیق است.

۲. پیشینه تحقیق

هر چند موضوع این تحقیق و رویکرد نگارندگان برای بررسی آن در آثار محققان دیگر پیشینه خاصی ندارد اما می‌توان از پژوهش‌های زیر به عنوان تحقیقات جدید و مرتبط یاد کرد:

نصیحت و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله «شکل‌گیری معنا و دستیابی به «ارزش» در داستان سلیمان نبی و ملکه سبا» با رویکرد نشانه-معناشناسانه و ذیل نظریه تحلیل گفتمان به تحلیل فرآیند تغییر نظام معنایی ملکه سبا و پیروانش در ضمن دیدار وی با حضرت سلیمان پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق مذکور نشان می‌دهد که کارکرد کنشی حاکم بر این داستان، نظام گفتمانی کنشی را رقم می‌زند. ماهیت این نظام را رفع بحران معنا (شرک) شکل داده است. در این نظام، راهبرد تصاحب ابژه ارزشی جنبه عملیاتی و برنامه‌مداری دارد. سلیمان و کنش‌یاران وی طی فرآیند توانشی-کنشی و عملیات مرحله‌ای به ابژه دست یافته و سبائیان را از معنای نخست (شرک و فقدان ایمان) به معنای دوم (توحید و خداپرستی) رسانده‌اند. در این تحقیق صحنه قصر بلورین همراستا و مشابه اقدامات قبلی مانند انتقال تخت پادشاهی در نظر گرفته می‌شود.

محسنی (۱۴۰۱) نیز در مقاله «الگوی ارتباط موثر در سوره مبارکه نمل (مطالعه موردی حضرت سلیمان و ملکه سبا)» با روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی آیات ۱۵ تا ۴۴ سوره نمل پرداخته و این فرضیه را مورد آزمون قرار می‌دهد که شیوه‌های ارتباطی حضرت سلیمان با ملکه سبا در سوره نمل از توان الگویی بالایی برخوردار است؛ به گونه‌ای که با استناد به آن می‌توان رفتارها، باورها و نگرش‌ها را در حوزه ارتباطات تغییر داد. اصول ارتباطی که از این داستان بدست می‌آید عبارتند از: مخاطب‌شناسی، دوراندیشی، رعایت ادب، سنجیدگی در کلام، انتقادپذیری، اعتماد و حمایت‌گری. نویسنده از آیه ۴۴ سوره نمل و صحنه ورود ملکه سبا به قصر بلورین اصل رعایت ادب سیاسی را برداشت کرده است. اما در مورد آیه ۴۴ و صحنه ورود ملکه سبا به قصر بلورین، بر اساس کاوش‌های نگارندگان، بیشتر مفسران آنرا اقدامی اعجاز‌گونه و در ادامه معجزات قبلی حضرت سلیمان دانسته‌اند. برخی هم علت این اقدام حضرت سلیمان را رویت و بررسی پاهای ملکه سبا دانسته‌اند. اما در ادامه مشخص می‌شود که این پاسخها قانع‌کننده نیست و دچار اشکالات محتوایی است. علاوه بر آن ظرافتهای روانشناختی رفتار حضرت سلیمان در بیان مفسران مغفول مانده است. مبنای نظری این پژوهش در ساحت روانشناختی، نظریه روانشناسی فردی آلفرد آدلر و مفهوم احساس حقارت در آن است. آلفرد آدلر در سال ۱۸۷۰ در اتریش به دنیا آمد و در سال ۱۹۳۷ چشم از جهان فرو بست. در آغاز با فروید همراه و

هم نظر بود. در سال ۱۹۱۱ از فروید جدا شد و نظر جدید خود را که درباره ی جنسیت با نظر فروید متفاوت بود، عرضه نمود و روش خود را، در برابر روان کاوی فروید، «روان شناسی فردی» نام گذاشت. وی انگیزه ی واقعی رفتار انسان را «احساس حقارت» و کوشش در رفع اسباب این احساس، یعنی از بین بردن نقص و کمبود می دانست. (شولتز، ۱۳۹۷، ۱۲۷)

۳. تفاوت احساس حقارت با عقده حقارت

به نظر آدلر «احساس حقارت»، به خودی خود نابهنجار نیست بلکه آن چه آن را به صورت یک آسیب روانی درمی آورد، این است که از درک و پذیرش آن خودداری کنیم و از طریق واکنش های نادرست و غیرمعقول، بخواهیم آن را جبران کنیم. آدلر معتقد است انسان بودن یعنی «احساس حقارت» داشتن. همه انسان ها کم و بیش دارای «احساس حقارت» هستند و همین امر در طرز رفتار آنان تاثیر بسیاری می گذارد و باعث کوشش ها، جنب و جوش ها و پیشرفت ها می شود. «احساس حقارت» انسان را وامی دارد وضع خود را در مقابل طبیعت بهتر و مطمئن تر سازد. (شولتز، ۱۳۹۷، ۱۴۵)

در «احساس حقارت»، شخص را می توان به سهولت به طرف پیشرفت ها و پیروزی ها راهنمایی کرد. به نظر آدلر «احساس حقارت» با «عقده حقارت» متفاوت است. عقده حقارت زمانی ایجاد می شود که احساس حقارت به سمت یک سبک زندگی منفی و ناکامی سوق داده شود. در این حالت، فرد ممکن است درگیر الگوهای رفتاری نامناسب شود، احساس عدم قابلیت تحقق اهداف خود را داشته باشد و یا به دلیل نارضایتی از خود، از تلاش برای پیشرفت و توسعه صرف نظر کند. اما اگر احساس حقارت به صورت سالم و موثری مدیریت شود، می تواند به سمت یک سبک زندگی سازنده و پویا سوق داده شود.

در واقع تمام پیشرفت، نمو و رشد انسانها ناشی از تلاشی است که به منظور جبران حقارت های خویش انجام می دهند؛ خواه این حقارت ها واقعی باشند یا خیالی. (سیدمحمدی، ۱۳۹۷، ۱۴۵)

اما عامل اصلی در احساس حقارت، شکست انسان در اهداف تعادلی اوست. در زندگی، انسان تلاش میکند تا خویشتن و تصور مطلوب از خود را حفظ کند (تمایلات خود نگهدارنده) و با هر چیزی که این تصویر را به خطر می اندازد مبارزه کند. اما نتیجه این مبارزه همیشه پیروزی نیست و اینجاست که در صورت شکست احساس حقارت یا کهرتری پدیدار می شود. (منصور، ۱۳۹۲، ۲) به عبارت دیگر هرگاه میان اعتقادات مربوط به خویشتن پنداری و آنچه فرد برای خود مطلوب می پندارد تعارض و ناهماهنگی ایجاد شود، احساس حقارت بروز می کند.

اما نکته مهم این است که واکنشهای فرد در برابر احساس حقارت می تواند به سبک زندگی او شکل جدیدی دهد. در واقع احساس حقارت می تواند سرچشمه رفتارهای گوناگونی شود، از تسلیم تا شورش، و از شرارت تا اطاعت و بندگی بی حد و حصر. (منصور، ۱۳۹۲، ۹)

بر اساس مفهوم احساس حقارت در نظریه آدلر و تاثیر آن بر تغییر سبک زندگی، می توان برخی تعاملات بیان شده در قرآن کریم را تحلیل کرد. همانطور که بیان شد در این پژوهش رفتار و مواجهه حضرت سلیمان با ملکه سبا دستمایه تحلیلی روانشناختی شده است که مبنای آن بر ایجاد احساس حقارت و توجه دادن به ضعف و فقر ذاتی انسان و نیاز دائم او به خداوند است. از آنجا که این جریان در سوره نمل بیان شده است ابتدا به بررسی کلی این سوره و سپس نظرات مفسران درباره آیه ۴۴ می پردازیم.

۴. معرفی سوره نمل

سوره نمل جزو سوره‌های مکی و در ترتیب نزول، چهل و هشتمین سوره‌ای است که بر پیامبر (ص) نازل شده است. این سوره در چینش کنونی مُصَحَّف، بیست و هفتمین سوره است و در جزء ۱۹ و ۲۰ قرآن جای دارد. با توجه به اینکه سوره نمل بعد از سوره شعراء نازل شده است و زمان نزول سوره شعراء هم در سالهای هجرت مسلمانان به حبشه و معراج پیامبر بوده است این سوره هم در همان ایام نازل شده است. (شرف الدین، ۱۴۲۰، ۶/ ۱۷۷)

محتوای سوره نمل از نظر کلی همان محتوای سوره‌های مکی است، و از نظر اعتقادی بیشتر روی مبداء و معاد تکیه می‌کند، و از قرآن و وحی و نشانه‌های خدا در عالم آفرینش و چگونگی معاد و رستاخیز، سخن می‌گوید و از نظر مسائل عملی و اخلاقی، بخش قابل ملاحظه‌ای از سرگذشت پنج پیامبر بزرگ الهی، و مبارزات آنها با اقوام منحرف بحث می‌کند، تا هم دل‌داری و تسلی خاطر برای مؤمنانی باشد که مخصوصاً در آن روز در مکه در اقلیت شدید قرار داشتند، و هم هشدار باشد برای مشرکان لجوج و بیدادگر که سرانجام کار خویش را در صفحه تاریخ طاغیان گذشته ببینند، شاید بیدار شوند و به خود آیند. یکی از امتیازات این سوره بیان بخش مهمی از داستان سلیمان و ملکه سبا و چگونگی ایمان آوردن او به توحید است. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲، ۱۵ / ۳۹۱)

بطوری که از آیات صدر سوره و پنج آیه آخر آن بر می‌آید غرض این سوره بشارت و انداز است و برای این منظور گوشه‌ای از داستان‌های موسی، داود، سلیمان، صالح و لوط (علیهم السلام) را به عنوان شاهد ذکر نموده و در دنبال آن بخشی از اصول معارف مانند وحدانیت خدای تعالی در ربوبیت و معاد را ذکر نموده است. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۵ / ۳۴۰)

با توجه به اینکه نزول این آیات در دوران قدرت مشرکان و ثروت و مکنت آنها بوده است، پیام کلی این آیات می‌تواند این بشارت به مومنان باشد که مشرکان مکه با هر قدرت و ثروتی سرانجام گرفتار عذاب خواهند شد یا مانند ملکه سبا که با وجود قدرت و سلطنت بسیار در برابر خداوند تسلیم شد، مشرکان مکه هم بالاخره تسلیم خواهند شد.

محور اصلی تحقیق حاضر آیه ۴۴ سوره نمل است که به مواجهه نهایی حضرت سلیمان با ملکه سبا و تغییر عقیده و ایمان وی به خداوند اشاره نموده است:

«قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَ كَشَفَتْ عَنْ سَاقَيْهَا قَالَ إِنَّهُ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِّنْ قَوَارِيرَ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَ أَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.» (النمل / ۴۴)

به او گفته شد: «وارد ساحتِ کاخ [پادشاهی] شو.» و چون آن را دید، برکه‌ای پنداشت و ساقهایش را نمایان کرد. [سلیمان] گفت: «این کاخی مفروش از آبگینه است.» [ملکه] گفت: «پروردگارا، من به خود ستم کردم و [اینک] با سلیمان در برابر خدا، پروردگار جهانیان، تسلیم شدم.»

۵. دیدگاه مفسران در تفسیر آیه ۴۴

مفسران در مورد این آیه و دلیل طراحی صحن قصر به صورت شفاف که باعث اشتباه ملکه سبا شد دیدگاهی را بیان کردند که در ادامه به آنها اشاره میکنیم.

۱- ارائه یک معجزه

برخی تفاسیر صحنه ورود به قصر را همراه با رؤیت یک معجزه مشابه و هم راستا با معجزات قبلی مانند انتقال تخت

پادشاهی ملکه سبا دانسته اند و نتیجه گرفتند که ملکه سبا پس از دیدن مجموع این معجزات ایمان آورد.

(وقتی ملکه سبا تخت و آن قصر را دید، دانست که سلطنت او در برابر سلطنت سلیمان چیزی نیست و سلطنت سلیمان از جانب خداوند متعال است و او پیامبر واقعی است. سپس سلیمان او را به اسلام (تسلیم برابر خداوند) فرا خواند و او پاسخ داد: که پروردگارا من با عبادت خورشید به خود ستم کردم و همراه با سلیمان به خدا مسلمان شدم و دینم را همراه با سلیمان با توحید به خدای تعالی خالص کردم. و گفته می شود همراه سلیمان یعنی من به دست سلیمان اسلام آوردم و از شرکش توبه نمود.) (سمرقندی، ۱۴۱۶، ۲/ ۵۸۲)

زمخشری هر چند قول دیگری را هم بیان کرده است که در ادامه به آن اشاره خواهد شد، اما نظر اصلی او اینگونه است: حضرت سلیمان برای نشان دادن عظمت حکومت و اثبات حقانیت دین و نبوتش دستور داد قصری بسازند که مسیر ورود آن از شیشه شفاف باشد و سپس از زیر آن آب جاری کنند و در آن انواع حیوانات دریایی را قرار دهند. (زمخشری، ۱۴۰۷، ۳/ ۳۷۰)

علامه طباطبایی هم تصریح میکند که مواجه شدن ملکه سبا با صحن شفاف قصر، در راستای همان معجزات و اقدامات عجیب قبلی مانند خبر آوردن هدهد یا انتقال تخت پادشاهی است و همه اینها به عنوان نشانه های نبوت حضرت سلیمان است. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۵/ ۳۶۷)

قرشی هم در تفسیر خود همین نظر را برگزیده است و می گوید: در اینجاست که به حضور سلیمان اجازه یافت و دربان گفت: داخل قصر سلیمان شوید، چون کاخ آئینه بند بود، از شفافیت آن احساس کرد آنجا آب بزرگی است، فکر کرد شاید آنهم سیاستی است لذا ساقهای خویش را عریان کرد، لباسش را جمع نمود تا خیس نشود ولی سلیمان فرمود: آب نیست، بلکه این قصر آئینه بند است.

در آنجا بود که با دیدن آیات بینات و با یاد آوردن جریان تخت و مانند آن، پرده از قلبش برداشته شد و اسلام آورد. «قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَ أَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

گویی: منظور از ظلم بر نفس آنست که ای کاش قبل از این اسلام آورده بودم در این تأخیر، با خودم ظلم کرده ام مَعَ سُلَيْمَانَ شاید حکایت از آن باشد که اسلام من از سنخ اسلام سلیمان است. (قرشی، ۱۳۷۵، ۷/ ۴۶۲)

۲- اقدامی برای نشان دادن برتری سلطنت حضرت سلیمان

برخی از مفسران مضمون آیه ۴۴ و دستور سلیمان به ساخت حیاط قصر از آبگینه ای بر آب را اقدامی برای نشان دادن برتری سلطنت خود بر فرمانروایی گسترده ملکه سبا دانسته اند.

برای نمونه طبری در تفسیر خود به این مطلب اشاره میکند که حضرت سلیمان دستور داد تا صحنی را بسازند و شیاطین برایش صحنی از شیشه ساختند که از شدت سفیدی و شفافیت مانند آب بود سپس تختش را در آن صحن قرار داد و روی آن نشست و پرندگان و جن و انس دور ایشان بودند سپس فرمود: وارد شو تا به او مُلک و سلطنتی بزرگتر از ملک و سلطنتش را نشان دهد. (طبری، ۱۴۱۲، ۱۹/ ۱۰۶)

۳- دیدن پاهای ملکه سبا

برخی مفسران با استناد به برخی اقوال تاریخی دلیل ساخت صحنی از شیشه و سنگ صاف را دیدن و بررسی پاهای ملکه سبا دانسته اند. طبق این نظر حضرت سلیمان قصد ازدواج با وی را داشت ولی برخی جنیان گفته بودند که پای وی دارای نقص است و لذا برای آگاهی از ویژگیهای جسمانی وی این صحنه را طراحی کرد تا او لباسش را بالا ببرد و

حضرت سلیمان پاهای او را ببیند.

برای نمونه صاحب تفسیر لباب التاویل می گوید :

به او گفته شد که وارد قصر شود و دلیلش این بود که سلیمان خواست عقلش را با تغییر در تخت او آزمایش کند و همچنین خواست بدون اینکه از او بخواهد تا پاهایش را نشان دهد به پاها و ساق پاهای او نگاه کند، چرا که جنها به او گفتند پاهایش مانند سم الاغ است و ساق پاهایش پر مو است، پس دستور داد به شیاطین و برایش قصری از شیشه سفید ساختند، و آب از زیر شیشه، از صحن حیاط آن می گذشت و ماهی و قورباغه و سایر جانوران دریایی در آن گذاشتند، سپس تخت خود را در بالای مجلس گذاشت. و روی آن نشست، و گفته اند که این عمارت برای آزمایش فهم او ساخته شده است، همانطور که در کنیزان زن این کار انجام میشد. (خازن، ۱۴۱۵، ۳/ ۳۴۸).

طبرسی هم در مجمع البیان به این قول به این صورت اشاره نموده است که جنیان گمان میکردند مادر ملکه سبا از جنیان است و اگر او با حضرت سلیمان ازدواج کند تسلط سلیمان نبی بر آنان بیشتر خواهد شد و دیگر نمی توانند از تسخیر وی رها شوند. بنابراین به بدگویی از ملکه سبا پرداختند از جمله اینکه گفتند پاهای او شبیه سم چهارپایان است یا پاهایش پر مو است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ۷/ ۳۵۱).

زمخشری هم در تفسیر خود این نظر را از برخی مفسران نقل کرده و البته با عبارت « زعموا » آنرا تضعیف نموده است. (زمخشری، ۱۴۰۷، ۳/ ۳۷۰).

۶. ارزیابی دیدگاه مفسران

همانطور که ملاحظه شد نظرات مفسران در مورد این آیه در سه دسته قرار میگیرد؛ نخست گروهی که حادثه بیان شده در آیه ۴۴ این سوره درباره ورود ملکه سبا به صحن قصر را یک معجزه و به دنبال معجزات دیگر حضرت سلیمان برای ایمان آوردن ملکه سبا می دانند؛ دوم گروهی که این اقدام را قدرت نمایی و برای نشان دادن برتری حضرت سلیمان دانسته اند؛ و سوم گروهی که این حادثه را طراحی حضرت سلیمان برای دیدن مشخصات جسمانی ملکه سبا دانسته اند.

دسته اول و دوم حادثه بیان شده در آیه ۴۴ را، حادثه ای در راستای ارائه معجزه یا قدرت نمایی حضرت سلیمان دانسته اند و ویژگی خاصی برای آن قائل نشدند که در ادامه و پس از بیان نظر این تحقیق مشخص می شود این نظر، که اکثر مفسران هم آن را بیان کرده اند، به صورت کامل نمی تواند آیه را تبیین نماید.

اما دسته سوم، اولاً سند این اقوال قابل اعتنا نیست و در خود قرآن کریم هیچ اشاره ای به آن نشده است. در ضمن این ماجرا تناسبی با مقام یک پیامبر الهی ندارد. اگر هم فرض شود که حضرت سلیمان چنین نیتی داشت، با روشهای دیگری می-توانست از وضعیت پاهای ملکه سبا کسب اطلاع کند و نیازی به چنین طراحی گسترده و پرهزینه ای نبود. علاوه بر اینکه با تبیین دیدگاه این تحقیق ضعف تبیین این دسته نیز روشن خواهد شد.

اما دیدگاهی که با استفاده از تحلیلی روانشناختی در این تحقیق ارائه می شود، کاملاً با استناد به قرآن کریم ارائه شده است و نقاط ضعف سایر نظرات را ندارد.

اقدامی برای ایجاد احساس حقارت در ملکه سبا

تبیین این تحقیق از حادثه بیان شده بدین شرح است: ملکه سبا دارای قدرت و سلطنت بزرگی بود که در او احساس تکبر و استغنا پدید آورده بود و این توانمندی و توهم بی نیازی مانع اصلی پذیرش دعوت پیامبران الهی در او بود. وی حتی پس از دیدن معجزات حضرت سلیمان مانند انتقال تختش، همچنان برخوردار از احساس خود بزرگ بینی بود و ایمان نیاورد و با وجود ابراز تسلیم برابر قدرت حضرت سلیمان اما همچنان تلاش کرد اعتقادات باطل خود را حفظ کند. سلیمان که این غرور و خودبزرگ بینی ملکه سبا را به نیکی دریافته بود، باید به اقدامی دست می زد که غرور نابجای ملکه سبا را درهم شکنند، و در عین حال حرمت جایگاه ملکه سبا را پاس دارد، از این رو فرمان داد حیات قصرش را آبدگینه بسازند تا ملکه سبا هنگام ورود بر سلمیان به ضعف خود آگاه گردد. و همین گونه شد که ملکه سبا هنگام ورود به صحن قصر و بالا بردن دامن لباسش که موجب نمایان شدن ساق پاهایش گردید، تکبرش فروریخت و به ضعف خود پی برد و دچار احساس حقارت شد. این درک جدید و احساس حقارت عامل اصلی تغییر نظام اعتقادی وی بود. در واقع حضرت سلیمان با طراحی این اقدام مانع اصلی در ایمان آوردن ملکه سبا، یعنی توهم قدرت و عظمت، را برطرف کرد.

برای اثبات دیدگاه این تحقیق باید ابتدا مطالب زیر اثبات شوند:

- ۱- ملکه سبا دارای سلطنت و قدرت فراوانی بود که باعث احساس بی نیازی و طغیان در او شده بود.
- ۲- معجزاتی مانند انتقال تخت پادشاهی باعث ایمان وی نشد.
- ۳- علت ایمان ملکه سبا هنگام ورود به صحن قصر، خارق العاده و معجزه بودن آن صحن نبود.

اثبات مطلب اول

برخی افراد با نصیحت و دلسوزی از موضع برابر متوجه حقیقت خواهند شد اما برخی دیگر با از بین بردن موانعی که برای پذیرش حق در آن ها، هر چند به صورت ناآگاهانه، وجود دارد می توانند راه حق را دریابند. توضیح اینکه برخی مشکلات شناختی مانند توهم و خیال قدرت و عظمت در انسان و احساس بی نیازی، مانع دیدن حقایق بدیهی مانند توحید و نیاز به خداوند و حضور او در زندگی خواهد شد. قرآن می فرماید «انسان قطعاً طغیان می کند هنگامی که خود را بی نیاز می بیند» (سوره علق، آیه ۶-۷) بنابراین گاهی سختی ها و مشکلات می توانند این احساس بی نیازی و طغیانگری برابر حق را از بین ببرند. در آیاتی از قرآن کریم به حوادث تلخ و عذاب ها و بلاها با عنوان مسائلی که باعث تضرع و روی آوردن انسان به سمت خداوند می شود یاد شده است. (الانعام / ۴۲)

این آیات نشان می دهد که یکی از عوامل انحراف انسان از فطرت توحیدی احساس بی نیازی و قدرت است و بنابراین یکی از راه های هدایت انسان مواجه کردن او با ضعف ها و واقعیت زندگی یعنی کوچکی انسان و حقارت او در برابر عظمت پروردگار می باشد.

در واقع در ماجرای برخورد حضرت سلیمان با ملکه سبا هم همین رویکرد اتخاذ شده است. ملکه سبا قدرت و توانمندی های زیادی در خود می دید. آیه ۲۳ سوره نمل که از زبان هدهد می گوید:

«به راستی من زنی را یافتم که بر آنان حکومت می کند، و از هر چیزی به او داده اند و تختی بزرگ دارد»

این آیه تاییدی است بر این که ملکه سبا در خود قدرت و امکانات زیادی را می دید و این یکی از موانع هدایت در وی و انسانهایی مانند اوست.

از نظر ادبی نکره بودن شیء در عبارت «اوتیت من کل شیء» در آیه مذکور، بر فراوانی و گستردگی امکانات ملکه سبا دلالت دارد. مفسران هم در تفسیر این آیه به امکانات و قدرت فراوان ملکه سبا اشاره کرده اند.

طبرسی در مجمع البیان عبارت «إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ» را به معنای تسلط کامل ملکه سبا بر مردم و زیردستان و عبارت «وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ» را به معنی در اختیار داشتن ابزار اعمال سلطنت و حکومت دانسته است (طبرسی، ۱۳۷۲، ۷/ ۳۴۱)

ابن کثیر هم در مورد عظمت عرش و قصر ملکه سبا از قول مورخان می گوید:
و این تخت در قصری بزرگ و زیبا و محکم ساخته شده بود، و سیصد و شصت ستون در مشرق و همین تعداد در سمت غرب آن قصر بود. بنای قصر به گونه ای بود که خورشید هر روز از یک ستون در مشرق وارد شود و از رو به روی آن غروب کند. (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ۶/ ۱۶۹)

البته واژه «عرش» در عبارت «و لها عرش عظیم» علاوه بر بزرگی تخت و قصر ملکه سبا، بر قدرت و سلطه فراوان هم دلالت کنایی دارد و توصیف آن به عظیم حکایت از عظمت ملک و فرمانروایی و قدرت وی دارد. برخی تفاسیر مانند تفسیر «من وحی القرآن» هم این معنا از عرش را بیان کرده اند. (فضل الله، ۱۴۱۹، ۱۷/ ۱۱۹)

بنابراین با توجه به آیه ۲۳ سوره نمل و توضیحات مفسران، قدرت و امکانات ملکه سبا در سطحی بسیار بالا بود که موجب احساس بی نیازی و تکبر در وی شده بود.

اثبات مطلب دوم

تصور ملکه سبا این بود که هر چند قدرت و عظمت سلطنت او در مقایسه با حضرت سلیمان پایینتر است اما در حدی هست که او بتواند با روشهای مرسوم سیاسی و گفتگو و مذاکره نظام درونی و بیرونی خود را حفظ کند. یعنی علاوه بر اینکه وی ساختار فکری و اعتقادی خود را همچنان قابل ادامه میدانست، گمان میکرد ساختار سیاسی و حکومت خود را هم می تواند با گفتگو و مصالحه با حضرت سلیمان حفظ کند. به همین دلیل در اولین برخورد با حضرت سلیمان و مشاهده تخت سلطنت خود در قصر حضرت سلیمان، تلاش کرد تا بر خود مسلط باشد و علی رغم خارق العاده بودن این کار و اعتراف تلویحی به قدرت حضرت سلیمان، همچنان ساختار اعتقادی و سیاسی خود را حفظ کرد. لذا به تعبیر قرآن کریم هنگامی که از او پرسیدند این تخت توست؟ اینگونه پاسخ داد که گویا همان تخت است، و تلاش کرد غافلگیری و تعجب خود را پنهان کند و سپس گفت ما پیش از این هم به قدرت سلیمان علم پیدا کردیم و تسلیم وی بودیم و قدرت سلیمان را پذیرفته ایم، و در واقع اشاره کرد که نیازی به این اقدامات نبود.

البته برخی مفسران گفته اند مقصود از عبارت «و کنا مسلمین» اشاره به تسلیم در برابر خداوند دارد.

«درست است که ملکه سبا، قبل از آن هم ایمان خود را اعلام کرده بود زیرا در آیات گذشته از زبان او شنیدیم: وَأُوتِيْنَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَ كُنَّا مُسْلِمِينَ (ما پیش از اینکه تخت را در اینجا ببینیم آگاهی یافته بودیم و اسلام را پذیرا شده بودیم). ولی در اینجا اسلام ملکه به اوج خود رسید لذا با تاکید بیشتر، اسلام را اعلام کرد. او نشانه های متعددی از حقانیت دعوت سلیمان را، قبلا دیده بود. آمدن هدهد با آن وضع مخصوص. عدم قبول هدیه کلان که از ناحیه ملکه فرستاده شده بود. حاضر ساختن تخت او از آن راه دور در مدتی کوتاه. و سرانجام مشاهده قدرت و عظمت فوق العاده سلیمان و در عین حال اخلاق مخصوصی که هیچ شباهتی با اخلاق شاهان نداشت.» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲، ۱۵/ ۴۸۳).

اما به قرینه آیات ۳۱ و ۳۸ که از واژه «مسلمین» در معنای تسلیم و اطاعت برابر حضرت سلیمان استفاده شده است می توان گفت منظور از این واژه در آیه ۴۲ هم معنای اطاعت و تسلیم برابر ایشان است.

در تفسیر المیزان در مورد آیه ۳۱ گفته شده: «و در این گفته او که «وَأَتُونِي مُسْلِمِينَ» اسلام به معنی تسلیم و اطاعت است که عبارت «الَّا تَعْلَمُوا عَلَيَّ» آنرا تایید می کند، و اسلام به معنی اصطلاحی یعنی ایمان به خداوند مد نظر نیست. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۵/ ۳۵۹).

در آیه ۳۸ که می فرماید: «ثُمَّ قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ» می توان برداشت تسلیم را از واژه «مسلمین» تقویت کرد. زیرا در این آیه حضرت سلیمان پیش از مواجهه با ملکه سبا، فرمود: چه کسی می تواند تخت او را بیاورد پیش از آنکه به حالت تسلیم نزد من آیند.

هر چند کسانی مانند مقاتل واژه «مسلمین» در این آیه را هم به معنای ایمان به خداوند معنا کردند. با این توضیح که به حضرت سلیمان وحی شده بود که او مسلمان خواهد شد. و دلیل عجله حضرت سلیمان هم این بود که بعد از اسلام آوردن ملکه سبا اموال او قابل مصادره نبود و محترم شمرده می شد. پس حضرت سلیمان برای تصاحب تخت پادشاهی ملکه سبا باید قبل از اینکه او اسلام بیاورد تخت را مصادره نماید. (مقاتل، ۱۴۲۳، ۳/ ۳۰۶).

البته مفسرانی مانند ماتریدی ضمن بیان این اقوال، به ضعف و ناپسند بودن آن در مورد حضرت سلیمان اشاره کرده اند. وی این نظر را به برخی اهل تاویل نسبت داده و معتقد است این نظر از محالات است چون حضرت سلیمان که هدایای قبلی ملکه سبا را به او برگرداند و آنان را اهل دنیا دانست چگونه ممکن است به یک تخت رغبت پیدا کند. (ماتریدی، ۱۴۲۶، ۸/ ۱۱۶).

به دلیل همین قرائن مفسرانی مانند علامه طباطبایی در المیزان در مورد آیه ۴۲ معنای اطاعت برابر حضرت سلیمان را صحیح دانسته اند. علامه طباطبایی در مورد عبارت «وَأُوتِينَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا» می گوید: یعنی نیازی به این اشارات و یادآوری ها نبود و ما قبل از این اقدامات هم به قدرت سلیمان علم پیدا کرده بودیم و تسلیم و مطیع سلیمان شدیم. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۵/ ۳۶۶).

البته برخی مفسران عبارت «وَأُوتِينَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَ كُنَّا مُسْلِمِينَ» را قول حضرت سلیمان دانسته اند که اساساً استنباط برخی مفسران در مورد ایمان آوردن بلقیس را در این آیه نفی میکند. (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ۶/ ۱۷۵).

با توجه به توضیحات بیان شده مشخص شد که معجزات و اقدامات خارق العاده ای مانند انتقال تخت پادشاهی و مواجه شدن ملکه سبا با آن، باعث ایمان وی به خداوند نشد و او با وجود اعلام تسلیم برابر حاکمیت حضرت سلیمان همچنان بر عقاید قبلی خود باقی مانده بود.

اثبات مطلب سوم

همان طور که در آیه ۴۲ بیان شد ملکه سبا ابتدا با معجزه انتقال تخت خود مواجه شد و آنجا نسبت به حضرت سلیمان ابراز تسلیم کرد اما هنوز اقرار به ایمان آوردن به پروردگار نکرد. اما طبق بیان آیه ۴۴، هنگامی که با سطح صاف و شیشه ای در صحن قصر مواجه گشت و لباس خود را بالا زد به گونه ای که پاهای برهنه اش آشکار شد، با بیان حضرت سلیمان، که فرمود این سنگ مرمر (یا شیشه ای) صیقلی داده شده است، متوجه اشتباه خود شد و بلافاصله بیان کرد که من بر خودم ظلم کردم و این بار از تسلیم خود برای خداوند عالم سخن گفتم.

نکته اساسی این است که تسلیم وی برابر خداوند نمی تواند فقط به دلیل مواجهه با اعجاز و خارق العاده بودن حیاط قصر باشد چون همانطور که در آیه ۴۲ بیان شده است او قبلاً هم با یک امر خارق العاده مواجه شده بود و مواجه شدن با تخت سلطنت او که به صورت خارق العاده ای منتقل شده بود از جهت اعجاز بزرگتر و مهمتر از ورود و مواجهه او با

صحنی صیقلی داده شده در قصر حضرت سلیمان بود. اصولاً صیقلی بودن صحن یک قصر جالب و هنرمندانه است، اما امری خارق العاده و در حد اعجاز نیست.

با وجود این می بینیم که ملکه سبا، که در هنگام مواجهه با تخت خود هنوز اقرار به عظمت خداوند و تسلیم در برابر خداوند نکرد، در این صحنه وقتی به تعبیر قرآن کریم پیراهن خود را بالا زد « کشف عن ساقیها » تا پاهایش به خیال وی داخل آب نشود و بعد متوجه اشتباه خود شد؛ سخن از ظلم به نفس کرد و به خداوند ایمان آورد.

برخی مفسران برای توجیه فرضیه خارق العاده بودن این حادثه با استناد به اقوال ضعیف تاریخی پیرایه هایی را به آن اضافه نمودند مانند اینکه پس از ساختن قصری از شیشه سفید آب از زیر صحن حیاط آن می گذشت و ماهی و قورباغه و سایر جانوران دریایی در آن گذاشتند. (خازن، ۱۴۱۵، ۳/ ۳۴۸).

مرحوم طبرسی هم اینگونه این مطلب را نقل کرده است که: پس از ساخته شدن صحن و حیاط شفاف، زیر آن آب جاری نمودند و در آب ماهیان بزرگ و قورباغه و سایر موجودات دریایی قرار دادند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ۷/ ۳۵۱).

در حالیکه افزودن چنین مطالبی اولاً بدون سند متقن است و در صورت صحت هم، امری خارق العاده و معجزه نخواهد بود، ثالثاً اگر این گونه امور در اسلام آوردن ملکه سبا نقش داشت خدای تعالی آنها را ذکر می کرد.

بنابراین تفاوت این صحنه با صحنه قبل (مواجهه با تخت) در همان مسئله درک ضعف و احساس حقارت و کوچکی در برابر پیامبر خدا است. اینکه طبق بیان قرآن کریم بلافاصله بعد از این صحنه ابراز تسلیم کرد و به خداوند اقرار نمود مویدی است بر اینکه او پس از احساس حقارت و کوچکی خود و شکسته شدن حالت تکبر و غرور، در برابر پروردگار تسلیم شد. در واقع حضرت سلیمان با طراحی این اتفاقات در هنگام ورود او به قصر، این مانع و حجاب توهم قدرت و عظمت او را کاملاً در هم شکست. چرا که او با یک حادثه تحقیر آمیز مواجه شد که به اشتباه حیاط قصر را جوی آبی تصور کرد و به تعبیر قرآن لباس از ساق پایش کنار زد، یعنی لباسش را بالا زد و تا ساق پایش آشکار شد. نکته مهم این است که چنین اتفاقی یعنی اشتباه ملکه در آب پنداشتن حیاط قصر و همچنین عریان شدن پاهای ملکه نزد دیگران در فضای زندگی اشرافی پادشاهان، اتفاقی تحقیرآمیز به حساب می آید. جالب اینجاست که در آیات مربوط به مواجهه ملکه سبا با حضرت سلیمان بلافاصله بعد از این اتفاق تحقیر آمیز، جمله ابراز ایمان به خداوند توسط ملکه سبا ابراز می شود. گویی بلافاصله با این اتفاق مانع اصلی ایمان او برداشته شده است. در مورد چگونگی ایمان ملکه سبا و فرآیند این تغییر می توان از مفهوم تعادل یابی در نظریه شناختی پیژده استفاده کرد. (وادزورث، ۱۳۷۸، ۳۷) به این بیان که اتفاقاتی که برای ملکه سبا رخ داد سازه های شناختی وی را دچار تزلزل کرد و نهایتاً با حادثه ورود به صحن قصر سازه های شناختی قبلی به طور کامل کارکرد خود را از دست داد و برای ایجاد تعادل با فرآیند برونسازی و انطباق سازه ای جدید یعنی ایمان به خداوند شکل گرفت. در اینجا وی متوجه شد که شناخت فعلی او از جهان، خود و جایگاه و قدرتش مطابق با واقع نیست و دچار توهمی شده بود که با این اقدامات حضرت سلیمان از این توهم خارج شد و توانست خود را با گفتمانی جدید منطبق کند و به عبارتی با سازه توحیدی حضرت سلیمان فرآیند برونسازی را شکل دهد.

نفی یک اشکال محتمل

در برخی از تفاسیر به مکالماتی در فاصله ورود به قصر و اشتباه ملکه سبا تا ابراز ایمان او اشاره شده است. برای نمونه در برخی تفاسیر آمده است که پس از اینکه ملکه سبا متوجه اشتباه خود شد، حضرت سلیمان وی را به اسلام دعوت

نمود و سپس او اسلام آورد.

فلما رأَت السَّريِرَ و الصَّرحَ، علمت أن ملكها ليس بشيء عند ملك سليمان، و أن ملكه من اللّٰه تعالى، و أنه نبي حقا. ثم إن سليمان دعاها إلى الإسلام فأجابته. (سمرقندی، ۱۴۱۶، ۲/ ۵۸۵).

اولاً این تفسیر و برداشت مستندی محکم ندارد و با ظاهر آیه هم مطابقت ندارد. ولی با فرض صحت این تفسیر باز هم تحلیل ارائه شده از مساله احساس حقارت صحیح است زیرا عدم ذکر مکالمات فرض شده در این تفاسیر به این معناست که زمینه اصلی برای ابراز ایمان ملکه سبا همان حادثه ورود به قصر بوده است و اگر هم مکالماتی بین حضرت سلیمان و او واقع شده باشد تاثیر آن به اندازه لحظات ورود به قصر و احساس حقارت ایجاد شده در ملکه سبا نبوده است و لذا قرآن کریم به آن اشاره ای نرمود.

۷. نتیجه گیری

در مورد آیه ۴۴ سوره نمل و ماجرای که هنگام ورود ملکه سبا به صحن صیقلی و شفاف قصر حضرت سلیمان برای وی پیش آمد، مفسران ویژگی خاصی برای این حادثه بیان نکردند و آنرا چیزی در امتداد معجزات قبلی حضرت سلیمان برای اثبات حقانیت خود در برابر ملکه سبا دانستند. اما این تفسیرها با توجه به بیان قرآن کریم به نظر ناقص می رسد و نمی تواند توضیح مناسبی برای ایمان و اقرار ناگهانی ملکه سبا باشد. اگر با استفاده از نظریاتی در روانشناسی این حادثه را تحلیل کنیم به تبیین مناسبتری از این حادثه دست می یابیم. به این بیان که دلیل اصلی ایمان ملکه سبا خارق العاده بودن صحن صیقلی و شفاف قصر نبود، زیرا ویژگی شفافیت این صحن نسبت به انتقال تخت سلطنت وی خارق العاده نیست و نمی تواند امری اعجازگون باشد. اگر قرار بود ملکه سبا با صرف مشاهده معجزه ایمان بیاورد باید هنگام مشاهده تخت خود ایمان می آورد. اما معمولاً برای اشراف و حاکمان مانع و حجابی وجود دارد که با وجود مشاهده معجزات پیامبران باز هم ممکن است ایمان نیاورند. آن مانع، توهم قدرت بسیار و احساس توانمندی و بی نیازی در آنهاست. با حادثه دوم یعنی ورود به صحن قصر و اشتباه تحقیرآمیز ملکه سبا این مانع برداشته شد. توضیح اینکه این حادثه کاملاً ابهت شخصی و تصور وی از خویشتن را به چالش کشید و باعث انجام کاری تحقیر آمیز یعنی بالا زدن لباس هایش برای پیشگیری از مرطوب شدن لباس شد. به عبارتی ساختارها و تصورات قبلی وی از توانمندی و درایتش کاملاً در هم شکست.

از مجموعه این آیات می توان روش های متنوعی از تبلیغ را نتیجه گرفت. در مورد روش تبلیغ در سوره نمل علاوه بر حضرت سلیمان به پیامبران دیگری هم اشاره شده است. از مجموع این اشارات و در کنار هم قرار گرفتن این آیات می توان این نتیجه را گرفت که این سوره به راه های مختلف در برخورد با افراد و هدایت آنان اشاره دارد. یک روش برای برخورد با متکبران و اشراف و حتی کسانی که در عین ضعف مالی و جایگاه اجتماعی پایین باز هم توهم قدرت و توانمندی مطلق انسان را دارند، همین روش حضرت سلیمان است. یعنی برای رفع موانع ایمان باید روش تبلیغی با هدف برانگیختن احساس حقارت و درک ضعف و نیاز در آنها باشد.

۸. منابع

- قرآن کریم

۱. ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۶، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۹ ق.

۲. خازن، علی بن محمد، *لباب التأویل فی معانی التنزیل*، ج ۳، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ ق.
۳. زمخشری، محمود بن عمر، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، ج ۳، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۴. سمرقندی، نصر بن محمد، *بحر العلوم*، ج ۲، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۶ ق.
۵. شرف الدین، جعفر، *الموسوعة القرآنیة، خصائص السور*، ج ۶، بیروت، دار التقرب بین المذاهب الإسلامیة، ۱۴۲۰ ق.
۶. شولتز، دوانت و شولتز، سیدنی الن، *نظریه های شخصیت*، ترجمه: یحیی سید محمدی، تهران، ویرایش، ۱۳۹۷.
۷. طباطبایی، محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۵، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۰.
۸. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۷، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۹. طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۹، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۱۲ هـ ق.
۱۰. طیب حسینی، سید محمود؛ مرتضوی، سیدابراهیم، «ت تحلیل روانشناختی آیات قرآن به مثابه یکی از مولفه های مکتب ادبی»، *اسلام و روانشناسی*، شماره ۲۸، ۱۴۰۰، ص ۵۳-۷۳.
۱۱. فضل الله، محمد حسین، *من وحی القرآن*، ج ۱۷، بیروت، دارالملاک، ۱۴۱۹ ق.
۱۲. فیض کاشانی، *تفسیر الصافی*، ج ۴، تهران، مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ ق.
۱۳. قرشی، علی اکبر، *تفسیر احسن الحدیث*، ج ۷، تهران، مرکز چاپ و نشر، ۱۳۷۵.
۱۴. قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لأحكام القرآن*، ج ۱۳، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۶۴.
۱۵. ماتریدی، محمد بن محمد، *تأویلات أهل السنة (تفسیر الماتریدی)*، ج ۸، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۶ ق.
۱۶. محسنی، طاهره، «الگوی ارتباط موثر در سوره مبارکه نمل (مطالعه موردی حضرت سلیمان و ملکه سبا)»، *مطالعات سبک شناختی قرآن کریم*، شماره ۱۱، ۱۴۰۱، ص ۱۸۹ - ۲۱۰.
۱۷. مقاتل بن سلیمان، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، ج ۳، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۳ ق.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، ج ۱۵، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۲.
۱۹. منصور، محمود، *احساس کهنتری به انضمام بررسی های بالینی آدلر*، تهران، موسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۲.
۲۰. نصیحت، ناهید، باغبانی، رضوان، سیاوشی، صابره، «شکل گیری معنا و دستیابی به «ارزش» در داستان سلیمان نبی و ملکه سبا»، *جستارهای زبانی*، شماره ۶۱، ۱۴۰۰، ص ۸۵-۱۰۷.
۲۱. وادزورث، باری جی، *تحول شناختی و عاطفی از دیدگاه پیاژه*، ترجمه: سیدامین امیر یزدی، جواد صالحی فدردی، مشهد، دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۸.